

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم  
سال نهم (۱۳۹۸)، شماره بیستم

## مبدأمداری یا مقصدمداری در ترجمه ابوالفتوح رازی با تکیه بر برگردان استعاره‌های قرآنی

کوثر مؤیدی<sup>۱</sup>

علیرضا باقر<sup>۲</sup>

### چکیده

در فرآیند ترجمه، همواره دو گرایش مبدأمدار و مقصدمدار در برابر هم وجود داشته است. مترجمان گاه «حفظ زبان مبدأ» را مدنظر داشته و گاه «قابل فهم بودن مطلب در زبان مقصد» را مورد توجه قرار داده‌اند. در دوران معاصر و با شکل‌گیری نظریه‌های علمی در حیطه ترجمه، اصلی‌ترین وجه تمایز دیدگاه‌ها، همین دوگانگی مبدأمداری و مقصدمداری است. از جمله مواردی که در مبدأمداری یا مقصدمداری ترجمه بازتاب مهمی دارد، شیوه‌های مورد استفاده در برگردان استعاره است. لذا در این مقاله، شیوه‌های برگردان استعاره در ترجمه ابوالفتوح رازی بررسی و آماری از شیوه‌های عملکرد وی ارائه شده است. در نهایت به این نتیجه دست یافته‌ایم که اگرچه مفسر بدون اسلوب معینی از دو شیوه مبدأمداری و مقصدمداری بهره برده است، اما باین حال، به حفظ ویژگی‌های زبان مبدأ توجه بیشتری داشته و بر این اساس می‌توان او را یک مترجم مبدأمدار دانست.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، ابوالفتوح رازی، مبدأمداری، مقصدمداری، برگردان استعاره.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران /

moayedikosar@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) /

baqeralireza45@gmail.com

## ۱- مقدمه

بیش از ۴۰ سال است که فن ترجمه مورد بحث پژوهشگران قرار گرفته و رشته‌ای به نام مطالعات فن ترجمه به وجود آمده است (Lee, 2015, p.65). هرمان، فن ترجمه را بسیار پیچیده و متناسب با رشته‌های مختلف، فرهنگ‌های مختلف و موقعیت‌های مختلف، می‌داند (Hermans, 2002, pp. 58-59). در دهه‌های اخیر، نظریه‌پردازان بیش از هر زمانی به این قضیه پرداخته و روش‌ها و مبانی مختلفی ارائه داده‌اند که بازتاب‌های گوناگونی داشته است (Maalej, 2008, pp.29-31). نظریه‌های ترجمه هر چند با عناوین مختلف بیان شده‌اند، در واقع در دو شیوه کلی، مبدأمدار و مقصدمدار خلاصه می‌شوند.

شیوه‌های مورد استفاده برای برگردان استعاره نیز که از عناصر زیبایی و درعین حال پیچیدگی هر زبانی است، بیانگر همین دو گرایش اصلی و کلی در ترجمه است و مترجم باید در سایه گرایشی که برمی‌گزیند، از شیوه‌های مناسب‌تر با آن گرایش بهره گیرد. از آنجاکه ترجمه و تفسیر ابوالفتوح رازی (د. ۵۵۲ق) از کهن‌ترین آثار قرآنی شیعه به زبان پارسی است که در دهه‌های دوم و سوم سده ششم قمری نوشته شده است و جایگاه و اهمیت ویژه‌ای در این عرصه دارد، در این نوشتار کوشیده‌ایم تا با بررسی شیوه‌های وی در معادل‌یابی استعاره‌های قرآن، به این پرسش پاسخ دهیم که ترجمه ابوالفتوح، مبدأمدار است یا مقصدمدار؟ و یا اینکه به شکل ترکیبی از این دو شیوه بهره گرفته است؟

گفتنی است که در زمینه مبدأمداری و مقصدمداری مترجمین قرآن با تکیه بر شیوه‌های برگردان استعاره، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و این مبحث برای اولین بار در این مقاله بررسی خواهد شد؛ اما پژوهش‌هایی در زمینه معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی صورت گرفته، از آن جمله:

۱. پایان‌نامه جمال بوتشاشه با عنوان «نماذج من الاستعارة في القرآن و ترجمتها باللغة الانجليزية»، در دانشگاه الجزایر (۲۰۰۵-۲۰۰۴) که به بررسی ترجمه نمونه‌هایی از استعارات قرآنی به زبان انگلیسی پرداخته است.

۲. مقاله علیرضا باقر، با عنوان «دشواری ترجمه استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری» که در پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۱ شماره ۱۱

---

۱. بوتشاشه، جمال؛ «نماذج من الاستعارة في القرآن و ترجمتها باللغة الانجليزية»؛ مذكرة لنيل الشهادة الماجستير، تحت اشراف: دكتور مختار محمد صباحي، جامعة الجزائر، كلية الاداب و اللغات، قسم الترجمة، ۲۰۰۴ م.

به چاپ رسیده است. در این مقاله شیوه‌های برگردان استعاره در ترجمه طبری مورد بررسی قرار گرفته است.

۳. مقاله رضا امانی و یسرا شادمان با عنوان «چگونگی معادل‌یابی استعاره‌های قرآنی در فرایند ترجمه» که سال ۱۳۹۱ در شماره دهم مجله مطالعات قرآن و حدیث، زیر چاپ رفته است. در این مقاله نیز شیوه‌های ترجمه استعارات قرآنی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۴. مقاله (آقایان) محقق و کتابی با عنوان *"Qur'anic Metaphors and Their English and Persian Translations"* که روی بیش از ۷۰ استعاره قرآنی و کاربرد آن‌ها در ترجمه فارسی تحقیق کرده است. این مقاله در سال ۲۰۱۵ در مجله Iranian language Studies Journal of Applied شماره دوم به چاپ رسیده است.<sup>۱</sup>

بنابراین قلمرو آثار یاد شده با نوشتار حاضر متفاوت است و موضوع این مقاله در کتاب یا مقاله‌ای دیگر بررسی نشده است.

در این مقاله پس از اشاره‌ای گذرا به نظریه‌های معروف و گرایش‌های موجود در ترجمه و تعریفی از استعاره، به راهکارهای مشهور در برگردان استعاره پرداخته می‌شود و سپس با تکیه بر شیوه‌های ابوالفتوح رازی در برگردان استعاره‌های قرآن، مبدأمداری یا مقصدمداری وی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

## ۲- تعاریف

### ۲-۱- تعریف ترجمه

صاحب‌نظران عرصه ترجمه، نظریه‌های گوناگونی برای ترجمه ارائه داده‌اند که از معروف‌ترین آن‌ها نظریه‌های نایدا<sup>۲</sup> و نیومارک<sup>۳</sup> است. نایدا ترجمه را به دو گونه صوری و پویا تقسیم می‌کند و بر این باور است که در فرآیند ترجمه، این پیام است که حرف آخر را می‌زند (Nida, 1964, pp. 165-171). طبق اعتقاد وی، مترجم باید از متن مبدأ فاصله گرفته و به زبان مقصد متمایل شود، روشن است که او به مقصدمداری گرایش دارد.

1. Mohagheh, A., & Ketabi, S. *"Qur'anic Metaphors and Their English and Persian Translations: Dead or Alive?"*; Iranian Journal of Applied Language Studies, 5(2), 2015.

۲. Naida

۳. Newmark

در مقابل نایدا، برخی مداخله حداقلی در متن مبدأ را می‌پسندند که نزدیک به همان ترجمه تحت‌اللفظی است. مترجم در این روش، ویژگی‌های متن مبدأ را کاملاً حفظ می‌کند و به عبارتی به نویسنده و مبدأمداری گرایش دارد.

نیومارک برخلاف بسیاری از نظریه‌پردازان معتقد است، مترجم نه در برابر خواننده است و نه در برابر نویسنده، بلکه او در برابر حقیقت است (نیومارک، ۱۳۷۲، ص ۲۷۶). وی ترجمه را با توجه به نوع متن و اینکه هدف ترجمه وفاداری به نویسنده اصلی است یا خواننده، به دو نوع «معنایی» و «ارتباطی»<sup>۲</sup> تقسیم نموده و یادآور می‌شود که ویژگی‌های برخی متون اقتضا می‌کند بخشی از آن‌ها به صورت معنایی و بخشی دیگر به صورت ارتباطی ترجمه شود (Newmark, 1988, p.58).

فریدریش شلایر ماخر، فیلسوف آلمانی (د. ۱۸۳۴م)، تعریفی مانند تعریف نیومارک از ترجمه ارتباطی و معنایی ارائه می‌دهد. او معتقد است که ما دو روش در ترجمه داریم: «مترجم یا تا جایی که ممکن است خواننده را به سوی نویسنده می‌برد و یا تا جایی که می‌شود نویسنده را به سوی خواننده می‌برد» (Venuti, 2008, p.18).

همان‌گونه که دیده می‌شود، به‌رغم تعابیر گوناگون برای انواع ترجمه، می‌توان آن‌ها را در دو گونه کلی مبدأمدار و مقصدمدار خلاصه کرد. هر مترجمی می‌تواند با توجه به معیارهایی که برگزیده، یکی از این دو شیوه را انتخاب کند و با تکیه بر اقتضای متن، جایی که هدف مترجم، انتقال معنا و پیام مورد نظر متن است، از شیوه معنایی بهره گیرد و هنگامی که بخواهد اثرگذاری متن را منتقل نماید، شیوه ارتباطی بهترین گزینه برای او خواهد بود.

## ۲-۲- تعریف استعاره

استعاره از ریشه «ع و ر» و معنای لغوی آن، به عاریت گرفتن چیزی است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۶۱۸) اما اصطلاحاً همان مجازی است که علاقه‌اش مشابهت میان معنای وضعی و غیر وضعی است که با قرینه‌ای صارفه به کار می‌رود تا ذهن را از توجه به معنای اصلی و موضوعی بازدارد (خطیب قزوینی، ۲۰۰۲، ص ۱۶۴ / مطرجی، ۱۹۸۷، ص ۱۳). شرط در استعاره، وجود هدفی در ورای آن است. در غیر این صورت استعمال لفظ در معنای اصلی خود اولی می‌باشد (عسکری، ۱۹۵۲، ص ۲۷۴). بسیاری از قداما معتقدند که استعاره از آمیزش مجاز و تشبیه به

۱. Semantic Translation

۲. Communicative Translation

وجود می‌آید؛ زیرا استعاره انتقال لفظ از معنای موضوع له و اصلی به معنای دیگر است که از این باب با مجاز مشترک است؛ همچنین در اصل تشبیه بوده و سه رکن اصلی از ارکانش حذف شده و فقط یک رکن آن باقی مانده و استعاره نامیده شده است (سکاکی، ۱۹۸۲، ص ۱۹۶ / ابن حجه، ۲۰۰۹، ص ۱۱۰ / سیوطی، ۱۴۰۸، ص ۲۰۸).

اروپائیان نیز تعریف‌هایی نزدیک به تعاریف اندیشمندان مسلمان برای استعاره آورده‌اند و بسیاری از آن‌ها استعاره را صورتی گفتاری دانسته‌اند که در آن یک واژه یا عبارتی که بر معنا یا اندیشه خاصی دلالت می‌کند، به جای واژه یا عبارتی دیگر به کار می‌رود تا شباهت آن دو نمایان گردد و یا زمینه‌ای برای مقایسه آن دو فراهم شود (See Alvarez, 1993, p.648). ایشان همچنین بر دو اصل انتقال و مشابهت در تعاریف استعاره تکیه می‌کنند؛ هرچند که آنان تقسیمات بسیار گسترده‌تر و گوناگون‌تری را برای استعاره مطرح کرده‌اند (برای آگاهی از این تقسیمات ر.ک. بوتشاشه، ۲۰۰۵، ص ۵۵).

گفتنی است که استعاره از دید زبان‌شناسان معاصر به‌ویژه در قلمرو زبان‌شناسی شناختی و استعاره‌های مفهومی، تعریفی کاملاً متفاوت می‌یابد و بیش از آنکه گونه‌ای تخلف از قواعد مرسوم زبان باشد، حضوری همه‌جانبه در زبان دارد. بر پایه دیدگاه جورج لیکاف که برای نخستین بار در کتاب «استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم» مطرح شده است، استعاره در سطح مفاهیم روی می‌دهد نه لفظ و عبارات (Lakoff, 1980, p.195). همچنین وی معتقد است که استعاره نه تنها در بحث زبان، بلکه در اعمال و افکار ما هم نقش دارد و تأثیرگذار است (برای مطالعه بیشتر ر.ک. Lakoff, 2002, p. 5). گستره کاربرد استعاره در دوره معاصر بسیار وسیع شده است تا جایی که برخی اندیشمندان معاصر، استفاده از آن را در حیطه‌های مختلف بررسی می‌کنند. به‌عنوان نمونه، اسمیت در مورد استفاده این فن بلاغی در بازرگانی و نقش آن در مذاکره تحقیق کرده و اذعان می‌کند که شناخت استعاره‌ها در طی یک معامله می‌تواند آگاهی کامل از اهداف را به ارمغان بیاورد (چکیده، Smith, 2005). پژوهشگران دیگری به بررسی استعاره در نیروهای نظامی (Bates, 2004, pp. 447-463)، سازمان‌ها (Oztel and Hinz, 2001) و پرداخته‌اند. (p.153)

### ۳- چگونگی ترجمه استعاره

ترجمه استعاره در دوران معاصر میان پژوهشگران و مترجمان، مورد بحث بوده است و می‌توان آن را از مشکلات ترجمه دانست؛ زیرا در برگردان آن از یک زبان و فرهنگ به یک زبان

و فرهنگ دیگر ممکن است تفاوت‌های زبانی و فرهنگی نادیده گرفته شود و بار معنایی آن مختل گردد. به همین دلیل، نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی در مورد برگردان استعاره پدیدار شده است.

از اواخر قرن بیستم مقالات متعددی در زمینه مطالعات ترجمه ارائه شد که مقالات منتشر شده نایدا در ۱۹۶۴، رایس<sup>۱</sup> در ۱۹۷۱، داگوت<sup>۲</sup> در ۱۹۷۶، ون دن بروک<sup>۳</sup> در ۱۹۸۱، میسون<sup>۴</sup> در ۱۹۸۲، نیومارک<sup>۵</sup> در ۱۹۸۸ و اسنل هورگبنی<sup>۶</sup> در ۱۹۸۸م از آن جمله بوده‌اند (Burmakova & Marugina, 2014, p.527). در اینجا به‌اختصار به برخی از دیدگاه‌های متفاوت در مورد برگردان استعاره می‌پردازیم:

۱. استعاره‌ها غیرقابل ترجمه هستند. داگوت از نخستین کسانی است که ترجمه‌ناپذیری استعاره را مطرح کرده است (بوتشاشه، ۲۰۰۵، ص ۷۵). وی مدعی است که ترجمه استعاره را نمی‌توان در چارچوب مجموعه‌ای از نقش‌های محدود و انتزاعی تبیین نمود و برای این کار باید به ساختار و کارکرد خاص استعاره در متن یک فرهنگ تکیه کرد؛ کاری که برای گویش‌وران دیگر زبان‌ها شدنی نیست. پس نمی‌توان استعاره را به زبان دیگر ترجمه کرد (Dagut, 1976, p.32/ Alvarez, 1993, p.478).

۲. استعاره‌ها به‌طور کامل قابل ترجمه هستند. میسون از برجسته‌ترین نمایندگان این جریان است که مشکلات ترجمه استعاره را جدای از مشکلات ترجمه به شکل عام نمی‌داند، لذا نظریه‌ای جدا برای ترجمه استعاره ارائه نمی‌دهند (Mason, 1982, pp. 141-149).

۳. استعاره‌ها قابل ترجمه‌اند و باید به دنبال معادلی مناسب برای آن‌ها باشیم (Oliynyk, 2014, vol. 4, p.10).

با بررسی سه جریان بالا واضح می‌شود که دیدگاه اول غیرقابل دفاع است؛ و دیدگاه دوم از نظر سبک مناسب است ولی چون ترجمه استعاره به‌صورت مجزا بررسی نمی‌شود، ابهاماتی را دربردارد؛ اما جریان سوم واقع‌بینانه است و مشکلات دو جریان قبلی را ندارد (2014, pp. ).

۱. Riss

۲. Dagut

۳. Van Den Broeck

۴. Masson

۵. Newmark

۶. Esnal

(Burmakova & Marugina, 533-528). در واقع طبق نظر گروه اول، هر زبان، سیستم مفهومی کاملاً متفاوتی دارد که سخنرانان یک زبان نمی‌توانند زبان‌های دیگر را به‌طور کامل درک کنند؛ اما از آنجاکه افراد می‌توانند زبان‌های کاملاً متفاوت را یاد بگیرند پس آن دسته از زبان‌ها نمی‌توانند سیستم‌های مفهومی مختلف و غیرقابل فهم و یادگیری داشته باشند (Lakoff, 1980, p. 311). برگردان استعاره نیز از این دایره خارج نیست. لذا ترجمه‌ناپذیری استعاره را می‌توان ادعایی ضعیف به شمار آورد و شایسته است مترجمان با تکیه بر راهکارهای پیشنهادی برگردان استعاره، به ترجمه هرچه دقیق‌تر این فن بلاغی بپردازند. اکنون به راهکارهای پیشنهادی برگردان استعاره که از سوی نیومارک ارائه شده است می‌پردازیم:

- ۱- بازتولید استعاره در زبان مقصد که همان ترجمه تحت‌اللفظی استعاره است.
- ۲- جایگزینی استعاره با استعاره‌ای که با فرهنگ زبان مقصد متناسب باشد.
- ۳- ترجمه استعاره به تشبیه با حفظ همان تصویر ذهن.
- ۴- ترجمه استعاره به تشبیه به همراه معنا یا حس. در واقع یعنی تبدیل استعاره به تشبیه به همراه توضیح آن.
- ۵- ترجمه مفهومی استعاره و حذف عنصر تشبیه.
- ۶- بازتولید استعاره به همراه توضیح و ترجمه مفهومی.
- ۷- حذف استعاره (Newmark, 1988, p. 96).

ون دن بروک و توپپاس از میان راهکارهای هفت‌گانه نیومارک به سه راهکار (بازتولید، جایگزینی، مفهومی) اکتفا می‌کنند (Van Den Broeck, 1981, p. 77/ Tobias, 2009, p. 45). اگرچه شماری از نظریه‌پردازان ترجمه، مانند ون دن بروک و توپپاس از راهبردهای نیومارک برای ترجمه استعاره اثر پذیرفته‌اند، اما این راهبردها اشکالاتی هم دارد (باقر، ۱۳۹۱، ص ۷) که از موضوع بحث ما بیرون است، لذا از آن چشم‌پوشی می‌کنیم.

**۴- اولویت‌بندی شیوه‌های برگردان استعاره در دو گرایش مبدأمداری و مقصدمداری**  
پیش‌ازاین اشاره شد که شیوه‌های برگردان استعاره می‌تواند گویای گرایش مترجم به مبدأمداری یا مقصدمداری باشد؛ از این رو لازم است که در اینجا ارتباط این شیوه‌ها با گرایش‌های یاد شده را به‌اختصار توضیح دهیم.

روشن است که در گرایش مبدأمدارانه، مترجم بیشترین کوشش خود را صرف این می‌کند که ویژگی‌های زبانی متن مبدأ را حفظ نموده، آن را بی‌کم‌وکاست به خواننده زبان مقصد منتقل

کند. چنین می‌نماید که مترجمی با این گرایش ناگزیر است در هنگام برگردان استعاره‌ها ابتدا در پی آن باشد که همان استعاره‌ها را در زبان مقصد بازتولید کند (روش ۱)؛ اما طبیعی است که بهره‌گیری از شیوه بازتولید، به جهت تفاوت‌های فرهنگی و زبانی، همواره شدنی نیست و مترجم باید از شیوه‌های دیگر هم استفاده کند. در این وضعیت نزدیک‌ترین وجه به زبان مبدأ آن است که از بازتولید به همراه توضیح بهره‌گیرد (روش ۶). پس‌ازاین باید استعاره متن مبدأ را با استعاره‌ای برابر در زبان مقصد جایگزین کند (روش ۲)؛ زیرا در این شکل، اگرچه صورت استعاری زبان مبدأ به زبان مقصد منتقل نشده است، قصد و نیت مؤلف متن مبدأ که استفاده از استعاره و بهره‌گیری از تصویرگری و خیال‌انگیزی آن بوده، به خواننده انتقال یافته است. مرحله پسین، آن است که استعاره را به تشبیه (روش ۳) و پس‌ازآن به تشبیه همراه با توضیح (روش ۴) برگرداند؛ زیرا به‌هرحال، تشبیه یکی از دو پایه استعاره است و برگردان استعاره به تشبیه، همچنان نیمی از ساختار استعاره را حفظ می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که اولویت شیوه‌های برگردان استعاره در گرایش مبدامدار به ترتیب زیر است از:

(۱) بازتولید (روش ۱)

(۲) بازتولید همراه با توضیح (روش ۶).

(۳) کاربرد استعاره جایگزین (روش ۲)

(۴) کاربرد تشبیه (روش ۳)

(۵) کاربرد تشبیه همراه با توضیح (روش ۴)

اما مترجم مقصدمدار از آنجا که انتقال درست پیام و تسهیل فرآیند فهم خواننده را در زبان مقصد، مهم‌ترین وظیفه خود می‌داند، بهترین روش را در بیان مفهوم استعاره (روش ۵) می‌بیند؛ زیرا در این شیوه با حذف ساختار استعاره و حتی تشبیه، فهم پیام با هیچ پیچیدگی و دشواری رویارو نمی‌شود. پس از این روش، اولویت با تشبیه همراه با توضیح (روش ۴) و سپس تشبیه (روش ۳) است؛ زیرا تبدیل استعاره به تشبیه و توضیح آن، بخش عمده‌ای از پیچیدگی و دشواری استعاره را می‌زداید و کار را برای خواننده آسان می‌کند. سرانجام نیز می‌تواند از بازتولید استعاره همراه با توضیح استفاده کند (روش ۶)؛ زیرا توضیح و بیان مفهوم، دشوارفهمی استعاره را از میان می‌برد. بدیهی است که روش‌های دیگر، به کار مترجمی با این گرایش نمی‌آید. بدین ترتیب اولویت بهره‌گیری از روش‌های برگردان استعاره در گرایش مقصدمدارانه به ترتیب زیر است:

(۱) ترجمه مفهومی (روش ۵)

(۲) کاربرد تشبیه همراه با توضیح (روش ۴)



(۳) کاربرد تشبیه (روش ۳)

(۴) بازتولید همراه با توضیح (روش ۶)

گفتنی است که حذف ساختار استعاری (روش ۷)، از آنجاکه در حقیقت نوعی پاک کردن صورت مسأله است نمی‌تواند روش درست و دقیقی برای ترجمه باشد و از این رو در هر دو گرایش نادیده گرفته شده است.

### ۵- روش‌های ابوالفتوح رازی در برگردان استعاره‌ها

برای بررسی شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی، می‌بایست استعاره‌های قرآن استخراج شود، از آنجاکه غالباً منابع به صورت پراکنده به مبحث استعاره‌های قرآن پرداخته‌اند و به صورت یکجا و منسجم نمی‌توان این استعاره‌ها را یافت، از این رو به ناچار پس از کمک گرفتن از برخی کتب اعراب قرآن و تفاسیر مختلف به آن‌ها بسنده نکرده و در نهایت موفق به استخراج حدود ۴۲۰ استعاره از قرآن شده‌ایم. در مرحله بعد، شیوه ترجمه این استعاره‌ها را در ترجمه ابوالفتوح رازی بررسی کردیم که نتیجه آماری آن در جدول ۱-۱ به پیوست ارائه شده است. پس از بررسی شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی مترجم منتخب، مشاهده کردیم که وی از پنج شیوه برای برگردان بهره برده است که ذیلاً به ترتیب فراوانی استفاده و به همراه چند نمونه برای هر یک بدان‌ها پرداخته می‌شود:

#### ۵-۱- بازتولید استعاره (روش ۱)

۲۶۷ استعاره در ترجمه ابوالفتوح رازی به این روش برگردانده شده است؛ از جمله:

۱- ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ﴾ (بقره: ۷/۲). مهر نهاد خدای بر دل‌های ایشان و بر گوششان و بر چشم‌هایشان پوششی است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۱۱).

«ختم» در اصل به معنی رسیدن به آخر چیزی است و اما معنای مهر زدن بر چیزی، از این باب است که مهر زدن پس از پایان یافتن کار انجام می‌شود (جوهری، ۱۹۸۷، ج ۵، ص ۱۹۰۸). در واقع هنگامی که خداوند بر دل‌هایشان مهر می‌زند یعنی کار این افراد به آخر رسیده و دیگر راهشان برای همیشه از خدا جدا شده است. در این آیه «ختم» بازتولید شده است.

مترجم، کلمه «غشاوة» را که در اصل به معنی پوشش است و از باب استعاره برای ندیدن حقیقت آمده نیز به صورت بازتولید برگردان کرده است؛ گویا پرده و پوششی جلوی چشم آنها را گرفته و مانع دیدن حقیقت می‌شود.

۲- ﴿الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ﴾ (نساء: ۷۴ / ۷۴). آنان که بفروختند زندگانی نزدیک‌تر به سرای بازپسین (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۱۵).

«شراء» به معنای خرید و فروش است و در این آیه استعاره از «اختیار یا استبدال» است، گویا این اشخاص زندگی دنیا را در مقابل آخرت فروختند (آخرت را انتخاب کردند و برگزیدند). این فعل در ترجمه، به همان صورت استعاری بازتولید شده است.

۳- ﴿فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه: ۳۴ / ۹). مژده ده ایشان را به عذابی دردناک (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۲۱۰).

«بشارت» برای وعده وضع شده ولی اینجا برای وعید استفاده شده است. چنین استعاره‌ای را استعاره تَهَكُّمِیه نامند که به قصد تمسخر و استهزا استعمال می‌شود (تفتازانی، بی تا، ج ۷، ص ۲۳۶ / سیوطی، ۱۹۹۶، ج ۲، ص ۱۲۴) یا اینکه «بَشِّرْهُمْ» به معنای «أخبرهم» است (طبرسی، ۱۹۹۵، ج ۲، ص ۲۳۶). ملاحظه می‌کنیم که ابوالفتوح رازی، معادل لفظی این کلمه را ذکر کرده است.

۴- ﴿أَقْمِنُ أَسْسَ بَنِيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٍ خَيْرٍ أُمِّ مَنْ أَسَسَ بَنِيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ﴾ (توبه: ۱۰۹ / ۹). آن کس بنا نهاد بنای وی بر ترس از خدای و خشنودی بهتر باشد [یا آن کس که بنا نهاد] بنای وی بر کرانه چاهی (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، صص ۲۰-۲۱).

«شفا کل شیء جُرْفَه»، یعنی لبه آن چیز (جوهری، ۱۹۸۷، ج ۶، ص ۲۳۹۳). «شفا جرف» لفظاً به معنی لبه گودی یا چاه است. خداوند بنیان منافقین که مسجد ضرار را بنا کردند، در بی‌ثباتی به بنایی تشبیه کرده که بر لبه جهنم واقع شده و اهلش را به دوزخ می‌راند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۳۰۳ / طبرسی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۹۶). مقصود از «شفا جرف» در این آیه، «باطل و نفاق» است که صاحبانش را به دوزخ می‌افکند. در ترجمه، لفظ مستعار، بازتولید شده و به مفهوم آن اشاره‌ای نشده است.

۵- ﴿وَلَيْتُنَّ أَذْقَنَا الْإِنْسَانَ مِمَّا رَحِمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَكْفُرُ﴾ (هود: ۹ / ۱۱). اگر بچشانیم مردمان را از ما رحمتی، پس بَرَكْنِمِ آن را از او، نوید شود و کافر (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۲۲۵).

در این آیه دو استعاره وجود دارد که هر دو بازتولید شده‌اند. نخست «ذوق» به معنی چشیدن و مختص مأکولات است و از باب استعاره مکنیه برای رحمت آمده، شاید چون این رحمت همیشگی و پایدار نیست به چشیدن تشبیه شده است. «نزع» نیز که «بر قلع و برکندن چیزی دلالت می‌کند» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۱۵) استعاره از بازپس‌گیری است. از آنجاکه بازپس گرفتن رحمت خدا برای بندگان سخت است، به کندن تعبیر شده و این جدا شدن از رحمت به حدی برایشان ناخوشایند است که به ناامیدی و کفر آن‌ها می‌انجامد.

۶- ﴿بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ﴾ (انبیاء: ۱۸/۲۱). بل بیفگنیم حق را بر باطل (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۰۳).

«قذف» به معنی پرتاب با قوت است (ابن منظور، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۱۷). در حقیقت، قذف از ویژگی‌های پرتاب اشیاء سنگینی مثل سنگ است. لذا خداوند متعال، وارد شدن حق بر باطل را به منزله پرتاب سنگی ثقیل آورده است و در واقع ﴿نَقْذِفُ﴾ از باب استعاره مکنیه به حق نسبت داده شده است. مترجم این استعاره را به صورت بازتولید، برگردان کرده است.

۷- ﴿أَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾ (روم: ۵۰/۳۰). خدای زنده کند زمین پس از مردن آن (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۶۷).

«احیاء و موت» به معنی زنده کردن و مرگ هستند، اما در این آیه و آیات مشابه، «احیاء» استعاره از سرسبزی و «موت» استعاره از پژمردگی زمین است. این دو کلمه و مشتقاتشان در ترجمه ابوالفتوح رازی غالباً به صورت بازتولید ترجمه شده‌اند؛ مانند آیه ۱۹ روم و ۳۳ یس و ۱۱ حدید. ۸- ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾ (زمر: ۶۹/۳۹). روشن شود زمین به نور خدای (همان، ج ۱۶، ص ۳۳۲).

«نور» به معنی روشنایی است. مقصود از نور خداوند در آیه، «عدل الهی» است؛ یعنی در روز قیامت زمین نورانی می‌شود به آنچه خداوند از حق و عدل می‌گستراند (طبرسی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۳۰). در واقع عدل الهی به نور تشبیه شده که تاریکی‌های ظلم و ستم را از بین می‌برد. در ترجمه، همان لفظ نور آمده است.

۹- ﴿أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رِبِّكَ﴾ (طور: ۳۷/۵۲). یا نزدیک ایشان است خزینه‌های خدای تو؟ (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۱۲۱).

«خزائن» جمع خزینه از باب استعاره مکنیه به خداوند نسبت داده شده است. در مورد اینکه مقصود از خزائن الهی چه چیزهایی است سه قول وجود دارد: ۱- باران و رزق، ۲- نبوت، ۳-

علم غیب (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۸۰). در ترجمه شاهد بازتولید استعاره هستیم و هیچ اشاره‌ای به مقصود نشده است.

۱۰- ﴿فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَرٍ﴾ (قمر: ۵۴ / ۱۱). باز گشادیم درهای آسمان را به آبی ریزنده (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۲۰۸).

در این ترجمه، آسمان به خانه‌ای تشبیه شده که دارای درهایی است. «ابواب»، ملائم مستعارمنه (خانه) است که همراه مستعارله (آسمان) ذکر شده و این استعاره مکنیه در ترجمه به همان صورت بازتولید شده است.

۱۱- ﴿خَتَمَ عَلَيَّ سَمْعِي وَ قَلْبِي﴾ (جاثیه: ۲۳ / ۴۵). مُهر نهاد بر گوش و دل او (همان، ج ۱۷، ص ۲۲۵).

توضیح کامل این استعاره قبلاً آمده است. در این آیه نیز گویا شخص معاند به آخر کارش رسیده و دیگر هیچ نصیحت و پند و اندرزی به او سود نمی‌رساند، لذا خداوند نیز بر گوش و قلب او مهر می‌زند و او را در عنادش رها می‌کند. در ترجمه آیه، «مُهر نهاد» همان بازتولید استعاره است.

۱۲- ﴿وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِرَهُ﴾ (قیامه: ۱۵ / ۷۵). و اگرچه بیفگند عذرهای خود (همان، ج ۲۰، ص ۴۲). ﴿أَلْقَى﴾ از ماده «لقى» به معنی پرتاب کردن و انداختن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۶۱). فعل «ألقي» برای ﴿معاذیر﴾ که به معنی عذرها و حجّت‌هاست استعاره گرفته شده و از باب استعاره مکنیه، عذرها به اشیائی تشبیه شده‌اند که شخص گنه‌کار برای رهایی خویش آن‌ها را پرتاب می‌کند. مترجم با ترجمه تحت‌اللفظی، این استعاره را نیز بازتولید کرده است.

۱۳- ﴿وَالصُّبْحُ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ (تکویر: ۱۸ / ۸۱). و بام چون دم زند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۱۵۷).

هنگامی که صبح روی می‌آورد با آمدنش روح و نسیم نیز می‌آید و این امر از باب مجاز، به نفس کشیدن تعبیر می‌شود (سیوطی، ۱۹۹۶، ص ۱۱۸۳). در واقع صبح از باب استعاره بالکنایه به موجود زنده‌ای تشبیه شده که نفس می‌کشد. در ترجمه، معادل لفظی کلمه آمده است.

## ۵-۲- ترجمه مفهومی (روش ۵)

هشتاد استعاره در ترجمه ابوالفتوح به روش مفهومی برگردان شده است، نظیر:

۱- ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنَهُ لِلنَّاسِ وَاذْهَبُوا بِهَا حَقًّا وَأَقْرَبُوا بِهَذَا كَلِمَتًا مِثْلَ قَوْلِهِمْ قَدِ افْتَرَيْنَاهَا قَوْلًا لَبِيبًا﴾ (آل عمران: ۲/ ۱۸۷). چون ها گرفت خدای عهد آنان که دادند ایشان را کتاب که بیان کنید مردمان را و پنهان نکنید، بینداختند از پس پشتشان بدل کردند به آن بهای اندک بد چیزی بود که خریدند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۹۳).

«اشتراء» همان گونه که ذکر شد برای خرید و فروش وضع شده، اما استعاره از «استبدال» است. در آیه به مشبیه تصریح شده و ﴿فَمَنَّا﴾ که ملائم مشبیه می‌باشد، استعاره را تقویت و تحکیم می‌کند. مترجم این استعاره را به صورت مفهومی برگردان کرده است. گفتنی است که ابوالفتوح در باقی موارد، مشتقات «اشتراء» را به روش بازتولید برگردان کرده است.

۲- ﴿وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ﴾ (انعام: ۶/ ۱۱۳). تا بکنند آنچه خواهند کردن (همان، ج ۸، ص ۲). «اقترف الشيء: اکتسبه» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۷۵). اقرار چنانکه در ترجمه نیز می‌بینیم استعاره از انجام دادن است. مترجم، آیه ۱۲۰ سوره انعام را نیز به همین شیوه مفهومی ترجمه کرده است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۷). مترجم در سوره‌ای دیگر، ﴿يَقْتَرِفُونَ﴾ (شوری: ۲۳/ ۴۲) را به صورت جایگزین ترجمه کرده است.

۳- ﴿حَتَّىٰ يَبُخِّنَ فِي الْأَرْضِ﴾ (انفال: ۸/ ۶۷). تا مبالغت کند در کشتن در زمین (همان، ج ۹، ص ۱۴۷).

«بخن الشيء ثخانة» یعنی غلیظ و سخت شد (جوهری، ۱۹۸۷، ج ۵، ص ۲۰۸۷). «بخن» از باب مبالغه برای قتل و جراحت استعاره گرفته شده و شاهد مفهوم دقیق آن در ترجمه هستیم. ۴- ﴿وَلَوْطًا آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا فَاسِقِينَ﴾ (الأنبياء: ۲۱/ ۷۴). و لوط را دادیم حکمت و علم، و برهانیدیم او را از آن شهر که می‌کردند لواط، ایشان بودند مردمان بد نافرمان (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۳۵).

فعل حرام (لواط) در کراهت داشتن و انزجار نفس از آن به خبیث و نجاست تشبیه شده است. مترجم، این استعاره مصرحه را به صورت مفهومی برگردان کرده است.

۵- ﴿وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ﴾ (شعراء: ۲۶/ ۳۳). و برکشید دستش، آن سپید بود نگرندگان را (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۴، صص ۲۹۸-۲۹۹).

«نزع» به معنای کردن چیزی است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۱۵) و از باب مبالغه برای برکشیدن دست از آستین استعاره گرفته شده که مفهوم آن در ترجمه آمده است.

- ۶- ﴿وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ (محمد: ۴/ ۴۷). و آنان که کارزار کنند در راه خدای، باطل نکند کارهای ایشان (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۲۸۸). «ضَلَّ» به معنی گم شدن و رفتن چیزی در غیر حق است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۵۶). در واقع باطل شدن اعمال تشبیه شده به گم شدن آن‌ها که این مفهوم در ترجمه آمده است.
- ۷- ﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ﴾ (انسان: ۹/ ۷۶). ما طعام می دهیم شما را برای خدا (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۶۷). انتساب «وجه» به خداوند از باب استعاره مکنیه است و مفهوم آن «رضایت خداوند» است که در ترجمه به آن اشاره شده است.
- ۸- ﴿وَالْقَمَرَ إِذَا اتَّسَقَ﴾ (انشقاق: ۱۸/ ۸۴). و ماه چون تمام شود (همان، ج ۲۰، ص ۹۵). «وسق» بر حمل چیزی دلالت می کند. ﴿وَاللَّيْلَ وَمَا وَسَقَ﴾ (انشقاق: ۱۷/ ۸۴) یعنی جمع شد و حمل شد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۰۹). ﴿اتَّسَقَ﴾ از باب افتعال، مطاوعه همین کلمه است یعنی ماه «جمع شود» یا به قول مترجم که مفهوم را آورده «تمام شود».
- ۹- ﴿كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (مطففین: ۱۴/ ۸۳). پر گست، بل غلبه کرده است بر دل‌هاشان آنچه کرده بودند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۱۷۸). «رین» دلالت بر غطاء و ستر می کند. «رانت الخمر علی قلبه: غلبت» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۷۰) یعنی غلبه کرد. در ترجمه نیز شاهد فعل غلبه کردن که مفهوم اصلی آن است هستیم.

### ۵-۳- جایگزینی استعاره (روش ۲)

هفتاد نمونه ترجمه جایگزین در ترجمه ابوالفتح رازی یافت شده است، نظیر:

- ۱- ﴿إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بَعْضَ مَا كَسَبُوا﴾ (آل عمران: ۱۵۵/ ۳). بخیزانید ایشان را شیطان به بهری آنچه کرده بودند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۱۰۵).
- «زَلَّ عَنْ مَكَانَهُ» یعنی از جایش لغزید (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴). اینکه شیطان آن‌ها را از جایشان بلغزاند استعاره است برای گمراه شدن آن‌ها توسط شیطان. به عبارت دیگر گویی شیطان آن‌ها را از راه راست و درست به مسیر گناه و اشتباه لغزش داد. در ترجمه، فعل «بخیزانید: بجهانید» جایگزین «لغزاندن» شده است.
- ۲- ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾ (نساء: ۴۳/ ۴). مگردید پیرامون نماز و شما مست باشید (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۵۶). ﴿لَا تَقْرَبُوا﴾ یعنی نزدیک نشوید ولی مفهوم آن در آیه

این است که در حالت مستی نماز نگذارید. فعل ﴿لَا تَقْرُبُوا﴾ را آورده تا شدت قُبْح حالت مستی را برساند؛ در ترجمه، فعل «مگردید» جایگزین «نزدیک نشوید» است.

۳- ﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ﴾ (الأنفال: ۸/ ۵۶). آنان که پیمان بستنی از ایشان، پس می‌شکنند پیمان خویش را در هر باری، ایشان نمی‌ترسند (همان، ج ۹، ص ۱۳۳).

در فعل «نقض» استعاره مکنیه وجود دارد. ابتدا پیمان به ریسمان تشبیه شد، سپس فعل «نقض» که اختصاص به تافتن ریسمان دارد برای «وفا نکردن به پیمان» عاریت گرفته شده است؛ فعل «شکستن» که در ترجمه این استعاره آمده جایگزین مناسبی برای آن است و ساختار استعاری جدیدی را در ذهن متبادر می‌کند که متناسب با فرهنگ زبان مقصد است؛ به این صورت که عهد به شیشه تشبیه می‌شود که قابلیت شکسته شدن دارد.

۴- ﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ﴾ (قصص: ۲۸/ ۶۶). پوشیده شود برایشان خبرهای آن روز (همان، ج ۱۵، ص ۱۴۵). «عمی» به معنای کوری است و مقصود از «عمیت» در آیه، «أخفیت» است. «خفاء» به «عمی» یعنی کوری تشبیه شده و وجه شبه آن‌ها منع وصول به مقاصد است. در ترجمه، فعل «پوشیده شدن» جایگزین استعاره شده است.

۵- ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ﴾ (زمر: ۸/ ۳۹). و چون برسد آدمی را رنجی، بخواند خدایش را (همان، ج ۱۶، ص ۲۹۷). «مس» در لغت به معنی لمس کردن است و اینکه رنج و سختی انسان را لمس کند از باب استعاره مکنیه است و غالباً با جایگزین کردن فعل «رسیدن» برگردان شده است؛ مانند آیه ۴۹ همین سوره و آیه ۱۲ سوره یونس و ...

۶- ﴿وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا﴾ (شوری: ۲۳/ ۴۲). هر که بیندوزد نیکویی، بیفزاییم او را در آن نیکویی (همان، ج ۱۷، ص ۱۱۵). «اقتترف» چنانچه قبلاً هم ذکر شد به معنی «اكتسب» است و فعل «اندوختن» که در ترجمه آمده به اشیاء و کالا اختصاص دارد و استعاره‌ای جدید برای انجام دادن نیکی است. این فعل در آیه ۱۱۳ سوره انعام به صورت مفهومی ترجمه شده بود.

#### ۵-۴- بازتولید استعاره به همراه توضیح (روش ۶)

از این روش، دو مورد در ترجمه ابوالفتوح یافت شد:

۱- ﴿وَيَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾ (انفال: ۸/ ۲۹). و ببوشاند از شما بدی‌های شما و بیمارزد شما را (همان، ج ۹، ص ۸۱). «کفر» به معنای پوشاندن است ولی مقصود از پوشاندن گناهان توسط

خداوند همان آمرزش گناهان است. بعد از ترجمه این فعل به صورت بازتولید، شاهد ذکر مفهوم آن نیز هستیم.

۲- ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ (انفال: ۸/۴۶). خصومت مکنی که بد دل شوید و بشود باد و دولت شما (همان، ج ۹، ص ۱۱۱). «ریح» به معنی باد است و از باب استعاره جای دولت و شوکت آمده؛ گویا آن‌ها در اجرای کارهایشان همچون وزش باد سرعت داشتند که این نشانه شوکت و قوتشان بود. در ترجمه هم «باد» که معادل لفظ «ریح» است آمده و همچنین «دولت»؛ و این گونه، مترجم مفهوم استعاره را کاملاً مشخص کرده است.

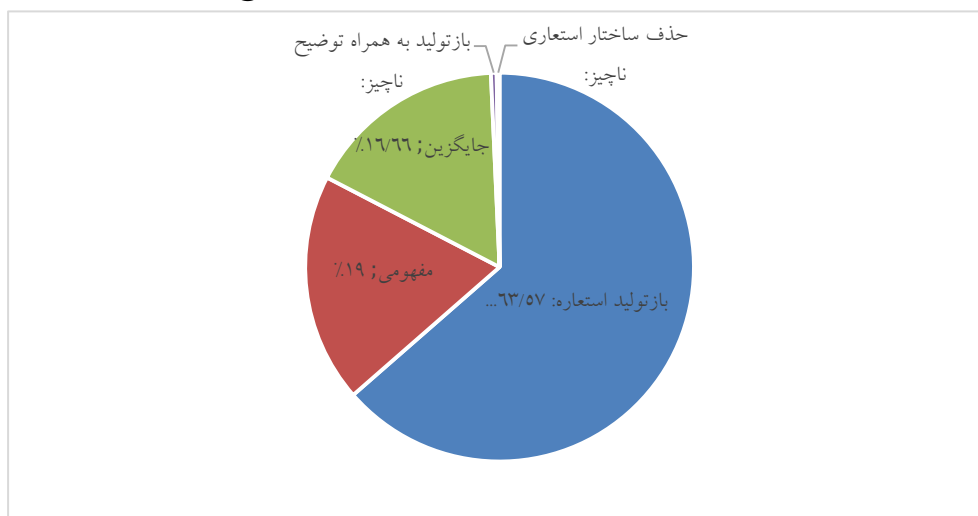
### ۵-۵- حذف ساختاری استعاری (روش ۷)

یک مورد حذف ساختاری در ترجمه ابوالفتوح دیده شد:

۱- ﴿فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ سُورًا لَّهُ بِابٍ بَاطِنُهُ فِيهَا الرَّحْمَةُ وَ ظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾ (حدید: ۵۷/۱۳). میان ایشان باره‌یی، او را دری باشد اندرون او در رحمت و بیرون او از پیش او عذاب باشد (همان، ج ۱۹، ص ۴).

به کارگیری فعل ضرب به معنای «زدن»، برای سور (دیوار) از باب استعاره است و مقصود، «بناء دیوار» است. در این آیه، باقی ماندن منافقان در نفاقشان به کسانی تشبیه شده که بین آن‌ها و نور، دیوار و حائلی ایجاد شده است که مانع رسیدن نور به سمت آن‌ها می‌شود ولی در ترجمه، هیچ نشانی از ساختار استعاره و تشبیه وجود ندارد.

#### نمودار معادل‌یابی استعاره در ترجمه ابوالفتوح





جدول (۱-۱) معادل‌یابی استعاره در ترجمه ابوالفتوح

مترجم	چگونگی معادل‌یابی استعاره	تعداد	درصد
ابوالفتوح	بازتولید استعاره	۲۶۷	۶۳/۵۷
	مفهومی	۸۰	۱۹
	جایگزین	۷۰	۱۶/۶۶
	بازتولید به همراه توضیح	۲	ناچیز
	حذف ساختار استعاری	۱	ناچیز
مجموع	۵ روش	۴۲۰	۲۰

اینک که شیوه‌های مورد استفاده ابوالفتوح رازی و فراوانی کاربرد آن‌ها روشن شد، باید به ارزیابی آن‌ها پرداخته، گرایش وی به مبدأ یا مقصد را آشکار سازیم. مشاهده کردیم که از مجموع ۴۲۰ استعاره‌ای که در سراسر قرآن کریم بررسی شده است، ابوالفتوح ۲۶۷ مورد (حدود ۶۳/۵ درصد موارد) را به روش بازتولید، ۸۰ مورد (حدود ۱۹ درصد موارد) را به روش مفهومی، ۷۰ مورد (حدود ۱۶/۵ درصد موارد) را به روش جایگزین و چند مورد باقی‌مانده (حدود یک درصد) را به دو روش دیگر پیش‌گفته ترجمه کرده است.

این آمار نشان می‌دهد که روش بازتولید که نخستین اولویت مترجم مبدأمدار در برگردان استعاره است با کاربرد ۶۳/۵ درصدی بر ترجمه او غلبه دارد و همین سبب می‌شود که او را با تکیه بر برگردان استعاره‌ها، مترجمی مبدأمدار بدانیم. این گرایش مترجم، زمانی تقویت می‌شود که کاربرد ۱۶/۵ درصدی روش جایگزینی را نیز به درصد پیشین بیفزاییم و به مجموع ۸۰ درصد برسیم؛ زیرا همان‌گونه که گذشت، استفاده از این روش، سومین اولویت برای مترجم مبدأمدار است و او را از متن مبدأ دور نمی‌کند. بااین‌حال نزدیک به ۲۰ درصد استعاره‌ها در ترجمه ابوالفتوح به روش مفهومی که نخستین اولویت مترجم مقصدمدار به شمار می‌رود، برگردانده شده است.

این تفاوت و بلکه تعارض گرایشی، به دو شکل، توجیه‌پذیر می‌شود: نخست اینکه مترجم در عین پای‌بندی به مبدأمداری، در مواردی به دلایل گوناگون درون‌متنی و برون‌متنی به این نتیجه برسد که نمی‌تواند متن را با این گرایش برگرداند و ناگزیر از تغییر گرایش است.

دوم اینکه پای‌بندی مترجم به یک گرایش، چندان آگاهانه و مبتنی بر درک علمی از کار ترجمه نباشد و همین سبب شود که گاهی خواسته یا ناخواسته و بی‌هیچ توجیه و دلیلی از یک گرایش به گرایش مقابل آن روی آورد. توجیه نخست برای تغییر گرایش ابوالفتوح متصور نیست؛ زیرا در این صورت باید در برگردان همه موارد همگون، بر پایه یک گرایش عمل کرده باشد، درحالی‌که چنانکه گذشت، ابوالفتوح گاهی یک ساختار استعاری را در جایی مبدأمدارانه بازتولید کرده است و جای دیگر، همان را مقصدمدارانه توضیح داده است و مفهومش را بیان کرده است (از جمله در مورد واژه‌ی استعاری «اشتراء»).

بنابراین این عدم هماهنگی در بهره‌وری از روش‌ها را می‌توان نشان از عدم اسلوب معین مترجم در چگونگی برگردان استعاره‌ها دانست.

### نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از استخراج استعاره‌های قرآن، شیوه برگردان آن‌ها در ترجمه ابوالفتوح را مورد بررسی قرار دادیم. ابوالفتوح رازی در برگردان استعاره‌های قرآنی به پنج روش، تکیه کرده است. با توجه به فراوانی‌های به‌دست‌آمده، به این مهم رسیدیم که مترجم، از هر دو شیوه مبدأمداری و مقصدمداری بهره برده است. به‌علاوه، طبق تحلیل‌های انجام‌گرفته، ملاحظه می‌شود که هرچند او گاهی به مقصدمداری نیز گراییده، اما گرایش وی به مبدأمداری، چشمگیرتر است. بدین جهت می‌توان ایشان را به‌عنوان یک مترجم مبدأمدار قلمداد کرد.

ازآنجاکه ابوالفتوح در برخی موارد همگون، استعاره را گاهی با گرایش نخست و گاهی با گرایش دوم برگردان کرده، می‌توان اذعان کرد که تغییر گرایش او از مبدأمداری به مقصدمداری چندان آگاهانه و دارای اسلوب خاص و معینی نیست.

یافته‌های تحقیق حاضر همچنین می‌تواند راهگشایی برای پژوهشگران حوزه ترجمه قرآن به‌خصوص در حیطه ترجمه استعاره باشد. بدین‌صورت که پژوهشگران آتی می‌توانند میزان مبدأمداری و یا مقصدمداری دیگر مترجمان قرآن را به همین روش، یعنی با بررسی شیوه‌های برگردان استعاره ایشان، مورد ارزیابی قرار دهند. نیز می‌توان مقایسه‌ای از مترجمان کهن و معاصر قرآن ارائه داد. بدین‌صورت که میزان مبدأمداری و مقصدمداری مترجمان در دوره‌های مختلف ارزیابی شود و سبب یا اسباب این تغییرها، واکاوی شود. باشد که این نوع پژوهش‌ها گامی مثبت در ترجمه هر چه بهتر قرآن بردارد و در نهایت به فهم هر چه بهتر کلام الهی بیانجامد.

## منابع و مأخذ

### - قرآن کریم

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ *النهاية في غريب الحديث*؛ به کوشش: زاوی و محمود طناحی، قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۳ ش.
۲. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی؛ *زاد المسیر فی علم التفسیر*؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ ق.
۳. ابن حجة، تقی الدین بن علی؛ *خزانة الادب و غایة الارب*؛ بیروت- صیدا: المكتبة العصرية، ۲۰۰۹ م.
۴. ابن فارس، احمد؛ *معجم مقاییس اللغة*؛ به کوشش: عبدالسلام هارون، قم: مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ قم: نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ به کوشش: محمدمهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
۷. باقر، علی‌رضا؛ «دشواری ترجمه استعاره با تأکید بر شیوه‌های برگردان استعاره‌های قرآنی در ترجمه طبری»؛ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۱۱، ۱۳۹۱ ش.
۸. بوتشاشه، جمال؛ «نماذج من الاستعارة في القرآن و ترجمتها باللغة الانجليزية»؛ مذكرة لنیل شهادة الماجستير، تحت اشراف: دکتور مختار محمد صباحی، جامعة الجزائر، كلية الاداب و اللغات، قسم الترجمة، ۲۰۰۴ م.
۹. تفتازانی، مسعود بن عمر؛ *مختصر المعانی*؛ قم: دار الفکر، بی تا.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، ط ۴، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷ م.
۱۱. خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن؛ *تلخیص المفتاح*؛ صیدا- بیروت: شركة انباء شريف الانصاری، ۲۰۰۲ م.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات غریب القرآن*؛ ج ۲، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. زحشری، محمود بن عمر؛ *الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل*؛ قاهره: شركة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۹۶۶ م.
۱۴. سکاکی، یوسف بن ابی بکر؛ *مفتاح العلوم*؛ مصر: المطبعة الادبية، ۱۳۱۷ ق.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن؛ *الاتقان فی علوم القرآن*؛ ج ۱، به کوشش: سعید المندوب، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۶ م.
۱۶. \_\_\_\_\_؛ *معترك الاقران فی اعجاز القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ *تفسیر جوامع الجامع*؛ قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۸. \_\_\_\_\_؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۹۹۵ م.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. عسکری، حسن بن عبدالله؛ *الصناعتین فی النظم والنثر*؛ مصر، مکتب عیسی البابي الحلبي، ۱۹۵۲ م.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ *القاموس المحیط*؛ قم: مکتب علوم اللغة العربیة، بی تا.
۲۲. مطرچی، عرفان؛ *الجامع لفنون اللغة العربیة و العروض*؛ بیروت: مؤسسة الکتب الثقافة، ۱۹۸۷ م.
۲۳. نیومارک، پیتر؛ *دوره آموزش فنون ترجمه*؛ ترجمه: منصور فهیم و سعید سبزیان، تهران: رهنما، ۱۳۷۲ ش.

25. Bates, B; "*Audiences, Metaphors and the Persian Gulf War*"; Communication Studies, 55 (3), 2004.
26. Burmakova E.A., Marugina N.I.; "*Cognitive Approach to Metaphor Translation in Literary Discourse, Procedia-Social and Behavioral Sciences*"; Open vol. 154, 2014.
27. Dagut, M. B; "*Can Metaphors be Translated?*"; Babel, 32: 1, 1976.
28. Hermans, T. (ed.); "*Crosscultural Transgressions: Research Models in Translation Studies II: Historical and Ideological Issues*"; Manchester: Saint Jerome, 2002.
29. Lakoff, G.; "*Moral Politics: How Liberals and Conservatives Think*"; 2nd ed., Chicago: University of Chicago Press, 2002.
30. Lakoff, George and Mark Johnson; "*Metaphors We Live By*"; Chicago and London: The University of Chicago Press, 1980.
31. Lee, H. M; "*Mapping Translation Studies in Korea Using the Holmes Map of Translation Studies*"; In FORUM. "Revue Internationale d'interprétation et de traduction/International Journal of Interpretation and Translation", Vol. 13, No. 1, John Benjamins Publishing Company, 2015.
32. Maalej, Zouhair; "*Towards a Cognitive Theory of Metaphor Translating: An Exercise in Comparative Culture*", King Saud University, KSA, RaAM7, 2008.
33. Mason, Kristen; "*Metaphor and translation*"; Babel, 28, 1982.
34. Mohaghegh, A., & Ketabi, S; "*Qur'anic Metaphors and Their English and Persian Translations: Dead or Alive?*"; Iranian Journal of Applied Language Studies, 5(2), 2015.
35. Newmark, P; "*A text book of translation*"; London, New York: prentice Hall, 1988.
36. Newmark, P; "*Approaches to translation*", Oxford: Pergamon Press, 1982.
37. Nida, E. A.; "*Towards Science of Translation*", Leiden: E. JBrill, 1964.
38. Oliynyk, Tetyana; "*Metaphor Translation Methods*", International Journal of Applied science and technology, Campbellsville University, USA, Vol. 4, No. 1, January 2014.
39. Oztel and Hinz; "*Changing Organizations with Metaphors. The Learning Organization*"; Bradford, 8, 3, p. 153, 2001.
40. Smith, T; "*Metaphors for Navigating Negotiations*"; Negotiation Journal, 21, 3, 2005.
41. Tobias, Shani; "*Untangling and Re-spinning the web: Translation of Metaphor in Tanizaki'sshisei*"; The International Journal of Translation and Interpreting Research, Vol. 1, No. 1, 2009.
42. VandenBroeck, R.; "*The Limit's of Translatability Example Filled by Metaphor Translation*"; Poetics today, 2(4), 1981.
43. Venuti, I; "*The Translator's Invisibility, History of Translation*"; Second edition, London and New York: Rutledge, 2008.